



مقام معظم رهبری:

از اهرم‌های فشار برای توقف یا کاهش فشار آمریکا استفاده می‌کنیم

پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مقام معظم رهبری، عصر چهارشنبه در دیداری سه‌ساعته با هزاران نفر از استادان و اعضای هیئت‌های علمی دانشگاه‌ها با تمجید از پیشرفت‌های حقیقی دانشگاه‌ها و مراکز علمی...

صفحه ۶

شنبه ۱۱ خرداد ۱۳۹۸ • ۲۶ رمضان ۱۴۴۰ • ۱ ژوئن ۲۰۱۹



حسن روحانی خطاب به سران کشورهای اسلامی: آمادگی کامل ایران برای همکاری و همراهی با جهان اسلام

گروه سیاست: حسن روحانی رئیس‌جمهوری کشورمان روز گذشته در پیامی به سران کشورهای اسلامی در اجلاس مکه با ابراز تأسف از عدم حضورش در این اجلاس به دلیل رعایت‌نکردن آداب معمول در دعوت از سران کشورها...

صفحه ۱۵

سال شانزدهم • شماره ۳۴۴۱ • صفحه ۴۰۰۰ • تومان

سرمقاله

«نه گفتن» به اصلاح‌طلبان

احمد غلامی . سردبیر



وقت آن رسیده برخی از چهره‌های اصلاح‌طلب به اصلاح‌طلبان دیگر «نه» بگویند. حتی اگر این نه گفتن به بهای شکست سنگین آنان در انتخابات مجلس و به‌تبع آن انتخابات ریاست‌جمهوری تمام شود. چهره‌محوری، یکی از ویژگی‌های بارز این جریان سیاسی است که می‌تواند با این چهره‌ها خودش را از انسداد سیاسی خلاص کند. تجربه‌هشت‌ساله دولت روحانی نشان داد «آری گفتن» به هر وضعیتی هزینه‌سنگینی دارد. در زمان کوتاه «ترجیح می‌دهم که نه»، نوشته‌هرمان ملویل، با پیشکاری مواجهیم که به نحوی تلاش می‌کند در وضعیت موجود ادغام نشود؛ پیشکاری که دست بر قضا برای تسهیل کارها باید مطیع باشد و آری‌گو، نقطه‌ظریف رمان در این است که این نه گفتن به‌معنای انفعال و عافیت‌طلبی نیست؛ بلکه عدم مشارکت در وضعیت‌هایی است که به محدودیت بیشتر می‌انجامد. آری گفتن به تلاش‌های بی‌ثمر به بهانه‌تظاهر به بودن مثل همه‌های در زیر بازارچه طاق ضربی است که چیزی از آن قابل شنیدن نیست و گاه به‌منزله‌پر حرفی مردم کوچه و بازاری است که بیش از آنکه گوش شنیدن داشته باشند، زبانی برای گفتن‌اند. برخی از جریان‌های سیاسی ایران از همان روزهای آغازین انقلاب اسلامی تلاش کردند تعارضات را در جامعه از بین ببرند؛ خواه این تعارضات مدنی باشد و خواه سیاسی. آنان برای کامیابی در ختنی‌سازی تعارضات، از «تعارض» سود جستند؛ یا به عبارتی تعارض علیه تعارض. با تقسیم‌بندی کلی جامعه به ما و دیگران برای مدتی نه‌چندان کوتاه به یکسان‌سازی توده‌ها برآمدند. یکسان‌سازی توده‌ها در قالبی خاص، ایده‌ای است که صرفاً در وضعیت‌های استثنائی به کار گرفته می‌شود و از این‌رو بود که این جریان‌های سیاسی سعی می‌کردند همواره کشور را در وضعیتی خاص قرار دهند. به‌کاربردن بیش‌ازحد این ایده، وضعیت استثنائی را فرسوده و از کارایی انداخته است. اینک ما با ناکامی این ایده روبه‌رویم؛ ایده‌ای که حتی در وضعیت استثنائی کنونی نیز کارایی ندارد و بی‌دلیل نیست که سروکلۀ این جریان سیاسی به‌ندرت در صحنه سیاست پیدا می‌شود و هر عملی انجام می‌دهند، بیشتر در خفا و پشت پرده است. آنان تلاش کردند «تعارض» را که سرمشقا قدرت و سیاست است و نتیجه‌اش دموکراسی، کم‌رنگ کنند. دولت‌ها و جناح‌های اصلاح‌طلب و مردم نیز با خورکدن به واژه مصلحت در این زمینه هم‌داستان بوده‌اند. آنان می‌گویند: مصلحت دولت ایجاب می‌کند که... مصلحت اصلاح‌طلبان ایجاب می‌کند که... و این مصلحت‌اندیشی، تودهای را به بار آورد که در شرایط کنونی حاضر به مشارکت در بزنگاه‌های سیاسی نیستند. مصلحت دولت بر پیش‌فرض گریز از بحران استوار است. حال آنکه بحران متضاد قدرت نیست؛ بحران یکی از تجلیات قدرت است. بحران نقطه تعیین‌کننده‌ای در جریان پیشرفت یک بیماری است؛ نشان می‌دهد که بیمار رو به التیام است یا به‌سوی بدترشدن گام برمی‌دارد. مصلحت‌اندیشی در دولت، در احزاب، چاره‌اندیشی برای ادامه بقا است. بقای که باید بر توده‌های مردم استوار باشد نه چیز دیگری. به تعبیر مکیاویولی بحرانی که مردم را رودرروی دولت و احزاب قرار می‌دهد، معرف استثنائی بر قاعده، یا وجود آسیب و بیماری در حیات سیاسی نیست. بحران و قدرت در تضاد نیستند؛ در هم تنیده‌اند. اینک دولت، خاصه اصلاح‌طلبان در برابر این پرسش قرار دارند که در این برهه از تاریخ چه خواهند کرد. پرده‌ها کنار رفته و اصلاح‌طلبان واقعی پیش چشم مردم بیش از هر زمان دیگر قابل شناسایی‌اند. مصلحت را باید کنار گذاشت و شفافیت را برگزید.

ادامه در صفحه ۴



عکس: مهدی پخشنده، ایران

راهپیمایی روز قدس در سراسر ایران برگزار شد

پای قدس ایستاده‌ایم

صفحه ۲

یادداشت

تهدیدهای جدی



مصطفی ایزدی

می‌کند و دل برخی را خالی و جیب فرصت‌طلبان را پر می‌کند. افراد آسیب‌پذیر جامعه، چه تهدیدها را جدی بگیرند و چه جدی نگیرند، تأثیر آن را در زندگی روزمره خود به‌وضوح مشاهده می‌کنند. کدام‌یک از اجناس مورد نیاز مردم را می‌شناسید که قیمت آنها از اواخر سال گذشته تا امروز در بهار سال جدید، گران نشده باشد؟ گران‌شدن کالاهای ضروری مردم حتی اگر بازار پر از انواع و اقسام کالا باشد که دیگر جنگ روانی نیست! جنگ هست اما در میدان اقتصاد است. مردم با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند و اگر اولیای امور به داد آتانی که در این میدان حضور دارند، نرسند، دچار آسیب‌های جدی می‌شوند. آن‌گاه کسی نمی‌تواند از تبعات اجتماعی و سیاسی و امنیتی آن رهایی یابد. برخی دولتمردان تصور می‌کنند مردم نمی‌بینند و از فراوانی کالا در بازارها و فروشگاه‌های بزرگ و مغازه‌های سر محل خبر ندارند. اگر صد برابر آنچه دیده می‌شود، وارد مراکز عرضه شود برای آتانی که حقوق و درآمد ماهانه‌شان کم است یا هیچ درآمدی ندارند، تفاوتی نمی‌کند؛ چراکه قدرت خرید ندارند. چه شقه گوشت در یخچال و پتترین‌گونه قصابان آویزان باشد، چه صد شقه، وقتی نمی‌توانند بخزند چه فرقی می‌کند؟ چه صد فقره انبار پر از برنج ایرانی و غیرایرانی در کشور وجود داشته باشد چه هزار انبار، وقتی افراد با درآمدهای اندک نمی‌توانند برای هر کیلو بیشتر از ۲۰ هزار تومان بدهند، چه تفاوتی دارد؟ مردم که معتقد به وجود قطعی در کشورمان نیستند، بلکه از بی‌عدالتی‌ها و تبعض‌ها و ندانم‌کاری‌ها و درآمد ناچیز رنج می‌برند.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

امیدواری



حسین نامری
روانشناس پیشگیری

بلند و ناخوشایند قرار گرفتند. در گروه اول، افراد می‌توانستند با چهار بار فشار یک کلید، صدا را قطع کنند. در گروه دوم، کلیدی که در اختیارشان بود، کار نمی‌کرد. در گروه سوم، افراد در معرض صدا قرار نمی‌گرفتند. در ادامه، همه افراد در معرض همان صدا قرار می‌گرفتند که می‌توانستند با استفاده از یک اهرم، صدا را قطع کنند. نتایج قبلی که روی حیوانات حاصل شده بود، تکرار شد: اعضای گروه اول و سوم که بر شرایط کنترل داشتند، سریع کشف کردند که چگونه می‌توانند صدا را خاموش کنند، ولی افراد گروه دوم برای رهایی از صدای ناخوشایند هیچ اقدامی نکردند. به این ترتیب مفهوم ناامیدی یا درماندگی آموخته‌شده شکل گرفت؛ وقتی که انسان در معرض موقعیت‌های ناخوشایندی قرار بگیرد که در ابتدا امکان رهایی از آن را ندارد، در ادامه حتی اگر امکان رهایی فراهم شود، معمولاً اقدامی نمی‌کند. به این ترتیب وقتی افراد متوجه می‌شوند که کنترلی بر وضعیت خود ندارند، فکر، احساس یا رفتار آنان رنگ ناامیدی یا درماندگی به خود می‌گیرد. این نوع ناامیدی به این علت آموخته‌شده نامیده می‌شود، زیرا هیچ‌کس با آن زاده نمی‌شود، بلکه مبتنی بر شرایط و تجربیات، یاد گرفته می‌شود. در کل باید گفت انسان وقتی در معرض ناامیدی قرار می‌گیرد که یا نمی‌تواند تغییری در شرایط رنج‌آور خود ایجاد کند یا فکر می‌کند تغییر ممکن نیست. به شکل کلی، ناامیدی منجر به ایجاد نقص در سه حوزه افکار، انگیزش و هیجان می‌شود. نقص در افکار به این معنی است که «شرایط کنترل‌شدنی نیست». روشن است وقتی ارزیابی شما از موقعیت این است که وضعیت خارج از کنترل شماست، نقص در انگیزش شکل می‌گیرد؛ به این معنی که تمایلی به یافتن راهی برای نجات از عامل استرس‌زا ندارید. نقص در هیجانات به‌عنوان بخش دیگری از ماییت درماندگی آموخته‌شده، نقش مهمی در شکل‌گیری افسردگی بالینی دارد. بر این اساس، دسته‌ای از محققان معتقدند ناامیدی، افسردگی را به‌دنبال دارد. به این ترتیب آنان دو نوع ناامیدی یا درماندگی را مطرح کرده‌اند: نوع عمومی و نوع شخصی. در نوع عمومی، شخص باور دارد که برای رفع وضعیتی که با آن مواجه است، کاری از دستش بر نمی‌آید. در این وضعیت روان‌شناختی است که فرد معتقد است «هیچ‌کس نمی‌تواند وضعیت خود را بهبود ببخشد». در نوع شخصی، حس ناامیدی به‌مراتب شدیدتر است، چراکه فرد گمان می‌کند «دیگران می‌توانند راه چاره‌ای بیابند، ولی اوست که فاقد این توانایی است».

ادامه در صفحه ۲

حرف اول

اعظم طالقانی خدمتگزاری شب‌زنده‌دار

فخر السادات محتشمی‌پور



قرار است به مناسبت مراسم نکوداشت بانو اعظم طالقانی، از زنان نام‌آور ایران‌زمین، مطلبی بنویسم. چند روزی است که برای قلم به‌دست‌گرفتن و از او نوشتن با خودم کلنجار می‌روم. نه آنکه گفتنی از ایشان نداشته باشم، بلکه با خودم فکر می‌کنم من چه بگویم و بنویسم که دیگران نگفته و ننوشته باشند. من چه برده‌ام و بیدعی از زندگی و شخصیت این زن چندوجهی تأثیرگذار می‌توانم عیان کنم که تاکنون از نظر پنهان مانده باشد؟ عاقبت به این نتیجه رسیدم که حتی اگر همه آنچه را که همگان از او می‌دانند بازگو کنم، ارزشمند است؛ چراکه ذکر همیشه منشا خیر است. نام اعظم طالقانی با توجه به اینکه در خانواده‌ای سیاسی- مذهبی نشو و نما کرده‌ام، برایم ناآشنا نبود. اما واقعیه‌ای که توجهم را به این نام آشنا جلب کرد، ثبت‌نام ایشان در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۷۶ بود. اینکه یک زن برای نخستین‌بار کاندیدای ریاست‌جمهوری کشورمان شود، فقط برای من غیرمنتظره نبود، بلکه توجه محافل سیاسی و اجتماعی داخلی و خارجی را به خود جلب کرد. او جسورانه با پشتوانه‌ای که از توش و توان علمی و تجربی خود و پدر بزرگوارش داشت، به میدان آمد تا به زنان و مردان سرزمین خود بگوید حق گرفتنی است. پس از آن در اعتراض به ردصلاحیتش ازسوی شورای نگهبان، به‌دلیل زن‌بودن، در مقابل مجلس شورای اسلامی می‌نماینده اولین دوره آن پس از انقلاب اسلامی بود، تحصن و بیانیه اعتراضی صادر کرد تا این کنش اجتماعی- سیاسی زنانه که در نوع خود بی‌سابقه و بی‌نظیر بود، در تاریخ ایران ثبت، ضبط و مستند شود. گام بعدی فرزند خلف آیت‌الله سیدمحمود طالقانی رفتن به قم و دیدار با علما برای تعیین تکلیف درباره «ولایت زنان» بود که به اختلاف نظر آنان پی برد و پس از آن با مطالعه صورت مذاکرات مجلس خبرگان با حضور تنها زن عضو آن، استاد منیره گرچی، مخالفت این مفسر قرآن با شرط مردبودن رئیس‌جمهوری را به عنوان برگ زرینی در حضور آگاهانه زنان مسلمان ایرانی در بزنگاه‌های تاریخی این مرز و بوم در دست گرفت و استفاده از واژه «رجل سیاسی» را نشانه درایت دو عضو هیئت‌رئیس مجلس خبرگان (آیت‌الله بهشتی و آیت‌الله منتظری) دانسته و آن را بارها در محافل سیاسی و مجالس فکری و فرهنگی بیان داشته و می‌دارد.

ادامه در صفحه ۴

خانواده محترم امیر مظاهری

با قلبی دردناک درگذشت

مادر عزیزتان را تسلیت

عرض می‌کنیم. از خداوند متعال

برای ایشان طلب رحمت و برای

بازماندگان سلامتی مهلت داریم.

خانواده دکتر هدایتی

مهندس علیرضا هدایتی-مهندس مظلوم‌نژاد

دکتر مجتبی علیخان‌زاده

خبر به وقت شرق



به

تلگرام شرق

پیوندید

@sharghdaily